

## فرم علیه نظام جهانی

### دیدگاه



سام فلمینگ

سردبیر اقتصادی فاینشال تایمز

در سال ۱۹۸۷، دونالد ترامپ با انتشار یک آگهی تمام صفحه‌ای در نیویورک تایمز و دیگر روزنامه‌ها، از اینکه نظام جهانی به ضرر ایالات متحده عمل می‌کند، شکایت کرد.

ترامپ ۴۱ ساله و توسعه‌دهنده املاک در نامه‌ای سرگشاده که هنوز هم جهان بینی اش را تعریف می‌کند نوشت: «به کسری‌های عظیم پایان دهید، مالیات‌ها را کاهش دهید و اجازه دهید اقتصاد ما رشد کند.»

نزدیک به چهار دهه بعد، ترامپ که با پیروزی در انتخابات ناامیر حالا احساس قدرت بیشتری می‌کند، معتقد است که بالاخره در موقعیتی است که می‌تواند این برنامه را اجرا کند و مسیر تاریخ اقتصاد را معکوس سازد.

با وجود محتوای عجیب سخنرانی «روز رهایی» او، اعلامیه‌اش خلاصه‌ای است از دیدگاه‌هایی که مدت‌ها در مورد تجارت داشته است. وسعت این گسست قابل اغراق نیست: ترامپ می‌خواهد روند چند دهه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصاد جهانی را معکوس کند. طبق گزارش مؤسسه پژوهشی Budget Lab اگر تعرفه‌هایی که ترامپ اعلام کرد به طور کامل اجرا شوند، نرخ میانگین تعرفه مؤثر واردات آمریکا را به بالاترین سطح از سال ۱۹۰۹ می‌رساند. اکنون دیگر کسی نسبت به برنامه‌های ترامپ بی‌تفاوت نیست. سؤال‌های جدی مطرح شده‌اند: ترامپ دقیقاً چه نوع اقتصادی می‌خواهد؟ آیا پشت این شعارها و لحن قربانی، واقعاً برنامه‌ای وجود دارد؟ آیا عقب‌نشینی خواهد کرد؟ و پیامدهای اقتصادی و سیاسی جهانی این قمار چقدر می‌تواند شدید باشد؟

ترامپ اغلب به دوره جهانی شدن سریع که از اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و با پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ تقویت شد، حمله می‌کند. کویبی می‌خواهد آمریکا را به شکوه اقتصادی دهه ۱۹۵۰ بازگرداند، پیش از آنکه آلمان، ژاپن و بعدها چین چالش‌های جدی برای جایگاه تولیدی آن ایجاد کنند. گری ریچاردسون، استاد تاریخ اقتصادی دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید سیاست‌هایی که ترامپ مطرح کرده شباهت‌هایی با سیاست‌های قرن نوزدهم آمریکا دارند، زمانی که منبع اصلی درآمد دولت، تعرفه‌ها بودند نه مالیات بر درآمد.

اما تهدید اصلی امروز این است که ترامپ در حال بازگرداندن جهان به دوران دهه ۱۹۳۰ است، زمانی که تعرفه‌های مشهور «اسموت-هاولی» باعث واکنش‌های تلافی‌جویانه بین‌المللی شدند که به عمیق‌تر شدن رکود بزرگ انجامید.

ریسک امروز حتی می‌تواند بیشتر باشد. نه تنها تجارت از دهه ۱۹۳۰ مهم‌تر شده، بلکه اقتصاد پس از جنگ را تصحیف کرد. پیچیده‌ای استوار است که اجزا و کالاهای آن مرزهای متعدد عبور می‌دهند و همگی بر مبنای چهارچوبی از همکاری بین‌المللی شکل گرفته‌اند که ترامپ آن را رد می‌کند. ترامپ در حمله به جهانی شدن، در واقع در حال فشار دادن در نیمه‌بازی است. از دست رفتن مشاغل تولیدی به نفع مرکز، چین و دیگر کشورهای کمتر توسعه‌یافته و بحران مالی جهانی، اعتماد جهانی را تضعیف کرد. ترامپ این نارضایتی‌ها را با روان‌شناسی فردی خود درآمیخته است. دوران جهانی شدن با این باور شکل گرفت که «برد-برد» ممکن است اما ترامپ، که ذهنیتش از رقابت برای خرید زمین در معاملات املاک شکل گرفته، معتقد است در مذاکره فقط یک برنده می‌تواند وجود داشته باشد. او به هیچ‌وجه عقب‌نشینی یا نشان دادن ضعف را نمی‌پذیرد.

مایکل استرین از اندیشکده محافظه‌کار آمریکن اینترپرایز می‌گوید: «ما شاهد ترکیبی از باور واقعی به مرکانتیلیسم، ناآگاهی شوکه‌کننده از نحوه عملکرد اقتصاد جهانی و بی‌گفتایی در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های اقتصادی هستیم.» اگر نظریه‌ای در پشت تعرفه‌های ترامپ وجود داشته باشد، بخشی از آن را می‌توان در مقاله‌ای توسط استفن میران (اکنون رئیس شورای مشاوران اقتصادی ترامپ) یافت که در آن توضیح می‌دهد چگونه تعرفه‌ها ممکن است باعث تقویت تولید صنعتی آمریکا شوند.

او همچنین درباره نیاز به جلوگیری از تقویت تلاش‌های سنگین می‌گوید، چرا که می‌تواند رقابت پذیری آمریکا در دفر شدن و ایده‌هایی برای اجبار متحدان به همکاری در سیاست ارزی مطرح می‌کند که شدت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

ترامپ در سخنرانی اش کاملاً از بخش خدمات که حدود ۷۰ درصد اقتصاد آمریکا را تشکیل می‌دهد، چشم‌پوشی کرد و بسیاری از تعرفه‌ها کاملاً یا باولت‌های امنیت ملی در تضادند؛ مثلاً در حالی که آمریکا قصد مقابله با چین را دارد، بر ژاپن متحد کلیدی-تعرفه ۲۴ درصدی اعمال می‌کند.

نگرانی سرمایه‌گذاران جهانی از این است که این اقدامات ممکن است مسابقه‌ای شبیه به دهه ۱۹۳۰ در برپایی موانع تجاری ایجاد کند که اقتصاد جهانی را بی‌ثبات کرده و همکاری بین‌المللی را از بین ببرد. اسکات بنت، وزیر خزانه‌داری نیز به‌توضیح خاطر اقدامات تلافی‌جویانه را پذیرفت و از کشورها خواست «فعلاً صبر کنند، بررسی کنند، ببینیم چه می‌شود.»

در حالی که ترامپ این بار نسبت به نوسانات منفی بازارهای مالی کمتر واکنش‌پذیر به نظر می‌رسد، کاخ سفید به‌سختی می‌تواند شورش سرمایه‌گذاران علیه این سیاست‌ها را نادیده بگیرد. هشدارها درباره رکود در روزهای اخیر افزایش یافته، چون اقتصاددانان در حال بررسی جهش احتمالی نرخ تعرفه میانگین از ۲.۵ درصد سال گذشته به حدود ۲۲ درصد هستند.

تاریخ نشان می‌دهد که تعرفه‌ها پس از وضع شدن، به‌راحتی از نظر سیاسی قابل حذف نیستند. اعلامیه‌های ترامپ «گسستی کامل از سیاست تجاری شصت سال گذشته» محسوب می‌شوند.

کریس میچنر، استاد دانشگاه سانتاکلارا، می‌گوید: «ما دوباره به فضای میانه دو جنگ جهانی برگشته‌ایم... این اقدامات ممکن است سایر کشورها را هم به واکنش تلافی‌جویانه وادار کند.»

اقتصاددانان هشداری می‌دهند که منازعات تجاری همچون دهه ۱۹۳۰ نه تنها برای اقتصادها خطرناک است، بلکه باعث فروپاشی همکاری‌های گسترده بین‌المللی می‌شود. کریستن واندشنایدر، تاریخ‌نگار اقتصادی در دانشگاه وین می‌گوید: «جنگ تجاری هزینه‌بر است و آمریکا بیش از آنچه تصور می‌شد از اقدامات تلافی‌جویانه کشورها در واکنش به تعرفه‌های اسموت-هاولی آسیب دید.»

ریچاردسون، متخصص تاریخ رکود بزرگ، هشداری می‌دهد که اختلافات جدی تجاری می‌تواند به سیاست جهانی هم سرایت کند، تنش‌هایی که حتی ممکن است به جنگ بینجامد. او می‌گوید: «ممکن است شاهد افول همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف باشیم.»

منبع: Financial Times

# پروژه عقلانی سازی دیوانگی

### امریکا

دونالد ترامپ به جهان اعلام جنگ اقتصادی داد. با بهره‌گیری از اختیارات اضطراری به شیوه‌هایی که هرگز از سوی کنگره پیش‌بینی نشده بودند، با بازنویسی تاریخی از بهره‌کشی ادعایی توسط دوستان و دشمنان، و با ساختن



عکس: Getty Images

## عصر تعرفه‌ها

### و آغاز دوره آشفنگی

### تحلیل

#### اسوار پارسارد

عضو ارشد مؤسسه بروکینگز



عصر تجارت بین‌المللی روزافزون و آزاد که برایه سیستمی مبتنی بر قوانین بنا شده بود و ایالات متحده به ایجاد آن کمک کرده بود، به‌طور ناگهانی به پایان رسید. از لحظه‌ای که ترامپ به قدرت رسید، کسب و کارها و تحلیلگران مالی می‌دانستند که او موانع تجاری را افزایش خواهد داد. اما گستره دامنه این تعرفه‌ها بدترین درن‌های آنها را تأیید کرد. با یک حرکت ناگهانی، واشنگتن تجارت بین‌المللی را به‌شدت محدود کرده است. ترامپ در تعرفه‌های داخلی اش از محدود استدلالاتی استفاده کرده که ایالات متحده قربانی اقدامات ناعادلانه تجاری شده است. همانند بسیاری از ایده‌های ترامپ، در ادعاهای او بیش از یک ذره حقیقت وجود دارد. به عنوان مثال، چین از قوانین سازمان تجارت جهانی برای دسترسی به بازارهای دیگر کشورهای برای صادرات خود استفاده کرده، در حالی که دسترسی به بازارهای داخلی اش را محدود کرده است. پکن همچنین با استفاده از یارانه‌های گسترده و دیگر اقدامات، رقابت‌پذیری جهانی شرکت‌های چینی را افزایش داده است. از جمله با وادار کردن شرکت‌های خارجی به واگذاری فناوری. اما به‌جای اصلاح قوانینی که برخی شرکای تجاری

آمریکا از آنها سوءاستفاده کرده‌اند، ترامپ تصمیم گرفته کل این سیستم را نابود کند. او نتیجه به ریشه تجارت با تقریباً همه شرکای اصلی تجاری آمریکا زده، بدون آنکه بین متحدان و رقبا پیش‌تفاهمی قائل شود. چنین اکنون با تعرفه‌های سنگینی روبه‌روست، بله، اما ژاپن، کره جنوبی و تایوان نیز به همین سرنوشت دچار شده‌اند. روابط اقتصادی دیرینه و سودمند دوجانبه و اتحادیه‌های ژئوپلیتیکی جدیدی ایجاد شده‌اند. واقعیت این است که دوران تجارت آزاد به احتمال زیاد بازنخواهد گشت. در عوض، هرگونه چانه‌زنی بین ترامپ و دیگر کشورها، نظام اقتصادی

### تحلیل

#### مایکل هرش

ستون نویس فارن پالیسی



همزمان با آغاز جنگ تجاری جهانی جدید توسط دونالد ترامپ -چیزی که آن را «اعلام استقلال اقتصادی» نامید- او شاید غیرواقع‌بینانه‌ترین روایت از تاریخ اقتصادی مدرن را که تاکنون از کاخ سفید شنیده شده است، ارائه داد. ترامپ گفت که ایالات متحده به مدت بیش از ۵۰ سال توسط دوستان و دشمنان به‌طور پیوسته افزایش یافته است. چپاول، تجاوز و تاراج قرار گرفته است. او به طرز عجیبی اعلام کرد که «هیچ‌یک از شرکت‌های ما اجازه ندارند وارد کشورهای دیگر شوند» در حالی که صادرات کالا و خدمات ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ از ۳ تریلیون دلار فراتر رفته و طی دو دهه گذشته به‌طور پیوسته افزایش یافته است. ترامپ حتی غیرواقع‌بینانه‌تر پیشنهاد داد که به رکود بزرگ هرگز انشقاق نمی‌افتاد اگر واشنگتن بیش از ۱۰۰ سال پیش سیاست‌های تعرفه‌ای خود را لغو نمی‌کرد. رئیس جمهوری آمریکا روز چهارشنبه با بازگرداندن تعرفه‌های سنگین بر تقریباً تمام کشورها اعلام کرد که

اعداد خیالی برای بیان نارضایتی‌هایش، رئیس جمهوری ایالات متحده در یک بعدازظهر، تقریباً یک قرن تلاش برای ایجاد نظمی اقتصادی جهانی عمدتاً صلح‌آمیز و پررونق را از هم بردید. از این پس، هرچه درباره ترامپ نوشته شود، نباید واژه «محافظه‌کار» را به نام او نسبت داد؛ او یک تجدید نظرطلب است که نظم قدیم را فرو می‌ریزد و از جایگاه راحت ثروت و قدرت‌نظم می‌کند که تکه‌ها گچا خواهند افتاد. اکنون پرسش این است که آیا آمریکا-کنگره، دادگاه‌ها و مردم- او را در درون این پرنگه دنبال خواهند کرد یا نه.



نوظهوری را شکل خواهد داد که با حمایت گریایی، تنش‌ها و معاملات مشخص می‌شود. نتیجه آن، برخلاف وعده ترامپ، افزایش اشتغال نخواهد بود، بلکه بی‌ثباتی برای همه خواهد بود و برای سال‌های آینده ادامه خواهد داشت.

### حساب و کتاب اشتباه

تعرفه‌ها به‌تفاهلی نمی‌توانند کسری تجاری کلی ایالات متحده را از بین ببرند مگر آنکه کشور کاملاً خود را دادر، زیرا عدم قطعیت درباره تجارت جهانی را افزایش می‌دهد و این امر به سرمایه‌گذاری تجاری لطمه می‌زند. کشورهای دیگر، به‌ویژه آنهاهایی که روابط تجاری قوی دارند، ممکن است بتوانند به‌کلی ایالات متحده را دور بزنند. برای مثال، چین، ژاپن و کره جنوبی ممکن است تلاش کنند با تقویت روابط تجاری متقابل، خود را تا تأثیرات تعرفه‌های آمریکا محاطت کنند. اما هر یک از این کشورها به‌شدت به صادرات وابسته‌اند و از ضعف تقاضای داخلی رنج می‌برند. ظرفیت مازاد عظیم چین و تقاضای وارداتی ضعیف آن، به‌ویژه تهدیدی برای دو اقتصاد دیگر است. در نتیجه، این کشورها احتمالاً در ششودن کامل بازارهای خود به‌روی صادرات یکدیگر محتاط خواهند بود. اروپایی‌ها، به‌نوبه خود، اعلام کرده‌اند که مایل‌اند با کشورهای دیگر در زمینه تجارت همکاری کنند. اما آنها نمی‌خواهند به محل تخلیه صادرات کشورهای دیگر تبدیل شوند.

با این حال، با توجه به دسترسی محدود به بازارهای آمریکا و کاهش تقاضای مصرف‌کننده آمریکایی، بقیه جهان به دنبال تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی، توافق‌نامه‌های تجاری بدون حضور آمریکا و راهکارهای دیگر برای محافظت از خود، در برابر جنگ تجاری جهانی پیش رو خواهند بود. سرمایه‌گذاران و شرکای تجاری را در بر می‌گیرد، به‌طوری‌که تأثیرات منفی اجتناب‌ناپذیری بر اقتصاد آمریکا خواهد داشت و هزینه‌های این اختلال بر دروش مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارهای آمریکایی در تقریباً هر بخشی خواهد بود.

### نقطه بدون بازگشت

بقیه جهان همچنان به اعلامیه ترامپ واکنش نشان می‌دهند. اما احتمالاً کشورها با ترکیبی از انتقام، مصالحه و تنوع‌بخشی پاسخ خواهند داد. هریک از این راهکارها چالش‌های خاص خود را دارد. اول، انتقام از ایالات متحده را در نظر بگیرید. کشورهای متعددی قبلاً وعده داده‌اند که با پاسخ به اقدامات تحریک‌آمیز ترامپ، تعرفه‌هایی بر کالاهای ساخت آمریکا اعمال کنند. شهروندان حال نیز خشمگین‌اند. مصرف‌کنندگان کاندایی در حال تحریم کالاهای آمریکایی هستند و گردشگران

منبع: Foreign Affairs

## سرنوشت دلار پس از «روز رهایی»

### نگاه



مایک بلیث

استاد دانشگاه براون

تلاش دونالد ترامپ برای بازصنعتی‌سازی اقتصاد آمریکا از طریق حذف کسری‌های تجاری، بدون شک باعث درد و آشفنگی در مقیاسی گسترده خواهد شد. اما مهم‌است به یاد داشته باشیم که هر دو حزب اصلی آمریکا تجارت آزاد را کنار گذاشته‌اند تا اهدافی مشابه را دنبال کنند.

با وضع تعرفه‌های «دیوانه‌وار» بر جهان از سوی دولت ترامپ، بسیاری از تحلیلگران نگران پدیده‌ای به نام «عقلانی‌سازی دیوانگی» هستند؛ یعنی نسبت دادن دلایل منطقی به سیاست‌هایی که اصلاً منطقی ندارند. این مفسران استدلال می‌کنند که چنین تحلیل ساده‌لوحانه‌ای، توجه ما را از کلاهبرداری‌ای که در برابر چشمان مان در حال وقوع است، منحرف می‌کند. ورود خانواده ترامپ به دنیای رمزآزها - جایی که کوین‌های مهم آنها دعوتی آشکار به رشوه هستند- قطعاً این تفسیر را تقویت می‌کند. اما آیا این تنها نتیجه‌گیری ممکن است، یا ممکن است ماجرا چیز دیگری باشد؟

پروژه آمریکا برای ترویج تجارت آزاد جهانی، پیش از انتخابات ۲۰۱۶ کنار گذاشته شده بود؛ زمانی که هم دونالد ترامپ و هم هیلاری کلینتون با مشارکت در توافقنامه تجاری ترنس-پاسیفیک مخالفت کردند. ترامپ پس از پیروزی بر کالاهای وارداتی از چین و دیگر کشورها تعرفه اعمال کرد و بسیاری از این تعرفه‌ها در دوران ریاست جمهوری جو بایدن حفظ یا حتی گسترش یافتند. یکی از سیاست‌های شاخص بایدن، قانون کاهش تورم بود که هدفش بازصنعتی‌سازی ایالات متحده در حوزه‌های سبز بود؛ حوزه‌هایی که علاوه بر حمایت با تعرفه‌های ترامپ، از یارانه نیز بهره‌مند می‌شدند.

موج جدید تعرفه‌های ترامپ نیز با هدف بازصنعتی‌سازی اعمال شده، هر چند در قالبی با مصرف‌کرین بیشتر. بنابراین به نظر می‌رسد که تجارت آزاد دیگر جایی در برنامه هیچ‌کدام از دو حزب ندارد. دلیل این روی آوردن دوحزبی به سیاست‌های حمایتی، به نقش جهانی دلار در شکل‌دهی به عدم توازن‌های ساختاری در تجارت برمی‌گردد. جان مینارد کینز در سال ۱۹۴۴ به‌درستی تشخیص داد که همه کشورها ترجیح می‌دهند صادرکننده خالص باشند تا واردکننده خالص. صادرکنندگان امروزی مانند اتحادیه اروپا، آسیا و خلیج فارس، دلارهایی به دست می‌آورند که اقتصادهای خودشان توان جذب آنها را ندارند، چرا که جذب این درآمد‌ها باعث افزایش دستمزدها و قیمت‌ها می‌شود و در نتیجه رقابت‌پذیری‌شان را از بین می‌برد. این دلارها برای بانک‌های محلی بدهی محسوب می‌شوند و سادته‌تر راه تبدیل آنها به دارایی، خرید بدهی دولت آمریکا است. در نتیجه، آمریکا طی ۴۰ سال گذشته تقریباً هر آنچه را خواسته وارد کرده است. با انتشار تعهدنامه‌های دیجیتال (IOU) که ۲ درصد سود می‌دهند و هیچ‌گاه بازخرید نمی‌شوند، زیرا اوراق خزانه‌داری آمریکا ابزار پس‌انداز محبوب صادرکنندگان است، این یعنی، در میان دیگر پیامدها، آمریکا هیچ محدودیت حساب جاری ندارد. اما چرا آمریکا باید بخواهد به این وضعیت جادویی پایان دهد؟ چون همان‌طور که متیو کلابین و مایکل پیتس استدلال می‌کنند، نادیده گرفتن محدودیت‌های حساب جاری، هزینه‌های بلندمدت به‌دنبال دارد. کشورهای که صادرکننده خالص هستند، مزایدهای عظیمی جمع می‌کنند اما به قیمت کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و دست‌نزدتها که اقتصادشان را تصحیف می‌کند، در مقابل، آمریکا از مزیت کالاهای آران خارجی بهره‌مند می‌شود، اما با بهایی چون از بین رفتن ظرفیت صنعتی خود. در سال ۱۹۷۵، سه کارفرمای بزرگ آمریکا اکسون، جنرال موتورز و فورد بودند؛ در سال ۲۰۲۵، این کارفرمایان بزرگ شامل الومارت، آمازون و هوم دیپو هستند. گروه اول کالاهای قابل تجارت تولید می‌کردند، در حالی که گروه دوم عمدتاً واردات را در داخل به فروش می‌رسانند. با توجه به این پیامدهای بلندمدت، چهره‌های برجسته هر دو حزب آمریکا اکنون امتیاز «فوق‌العاده» دلار را برای «فوق‌العاده» سنگین می‌دانند. هر دو حزب خواهان بازصنعتی‌سازی آمریکا از طریق تقویت تولید داخلی هستند که به معنای اجبار صادرکنندگان خارجی به کاهش تقاضایشان برای دلار است.

چرا این را صریح نمی‌گویند؟ احتمالاً چون صحبت از اینکه «کشورها دارند از ما سوءاستفاده می‌کنند» برای رایگه یار دهنندگان جذاب‌تر است تا مباحث فنی درباره سیاست تجاری. افزون بر آن، اینکه دولت ترامپ طرح جامعی برای بازتعادل بخشی به نظم جهانی ندارد، به این معنا نیست که چنین بازآرایی در حال وقوع نیست.

افزایش هزینه‌های دفاعی اتحادیه اروپا که با فشار ترامپ شدت گرفته، به این روند شتاب بیشتری خواهد داد. احتمال کاهش منطقه یورپ به سوی الگوی مصرف‌محورتر، برای سرمایه‌گذاران جهانی جایگزینی برای دلار ایجاد می‌کند. در مورد چین، به نظر می‌رسد که این کشور درک کرده صادرات سبزی حد و مضر (وسایل نقلیه برقی، پنل‌های خورشیدی و غیره) نیز محدودیت‌هایی دارد. چین پیشاپیش از بازار آمریکا فرصت گرفته، که این امر نیاز به مصرف داخلی بیشتر (افزایش داده است. در همین حال، دیگر کشورهای آسیایی با اقتصادهای مبتنی بر صادرات، تمایل دارند در داخل آمریکا سرمایه‌گذاری کنند تا دسترسی به بازار را حفظ کنند. چنین جهانی شدن به تعادل برسد، به دلار کمتری نیاز خواهد داشت. پایانه‌داده‌ها سیستم کنونی قطعاً بی‌ثباتی‌های گسترده‌ای در پی خواهد داشت و شاید بازصنعتی‌سازی آمریکا فقط یک رویا باقی بماند. اما مهم‌است به یاد داشته باشیم که هر دو حزب این روند را ضروری می‌دانند. این بازتعادل‌سازی پیش از ورود ترامپ آغاز شده و با زیرباهای پیش می‌رود که ممکن است عمرشان از عمر خود ترامپ بیشتر باشد.

منبع: Project Syndicate

استاد و شرکایت کرد که ۹۴ درصد خودروهای ژاپن هنوز در ژاپن ساخته می‌شوند و برای اینکه کار را آرام کند، یک تعرفه دیگر ۲۴ درصدی بر توکیو اعمال کرد. با این حال، ترامپ در تاریکی به سوی هدف مشابهی گام برمی‌دارد و ممکن است موقعیت محدودی در ساختن «دیوار محافظتی» خود داشته باشد.

منبع: Foreign Policy

پیش اثبات کردند، زمانی که با اقتصاد بسته‌ای به نام ژاپن روبه‌رو شدند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، دولت‌های جمهوری خواه و دموکرات موجی از تحریم‌ها را اعمال توکیو را مجبور کردند ارزش نی را بالا ببرد. در ژاپن، این به «گاپتسو» معروف بود و به بازسازی اقتصاد کمک کرد. شرکت‌های بزرگ ژاپنی در طول سال‌ها تصمیم گرفتند تا حدودی از اقتصاد با رشد کند فاصله بگیرند و تولیدات عظیمی را به ایالات متحده منتقل کنند. در نتیجه و به‌طور شگفت‌انگیزی برای بسیاری از آمریکایی‌ها شرکت‌های ژاپنی به جای «آنها» به «ما» تبدیل شدند. سی سال پیش، خصومت سیاسی نسبت به تولیدات ژاپنی آن قدر شدید بود که مردم روی توئیوتا و نیسان‌های پارک‌شده آب‌دهان می‌انداختند یا آنها را می‌خراشیدند.

امروزه، خودروهای «ژاپنی» در جاده‌های آمریکا فراوان‌اند و تقریباً هیچ‌کس اهمیت نمی‌دهد چون بیشترشان داخل آمریکا ساخته یا مونتاژ می‌شوند. در حالی‌که آمریکا همچنان با ژاپن کسری تجاری قابل‌توجهی (۶۸ میلیارد دلار) دارد، این میزان در طول زمان کاهش یافته است و زمانی که نخست‌وزیر شیگرو ایشیزو در قوت به واشنگتن سفر کرد، خاطرنشان کرد که شرکت‌های ژاپنی طی پنج سال گذشته رتبه اول سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکا را داشته‌اند. او با دانستن اینکه این موضوع ترامپ را تحت تأثیر قرار می‌دهد، افزود که ژاپن به دنبال سرمایه‌گذاری بیشتر در آمریکا است.

عجیب آنکه ترامپ به نظر از این پیشرفت عمیق بی‌خبر است و واکنش نشان داده‌اند؛ اینل در فوریه اعلام کرد که میلیاردها دلار در تأسیسات تولید تراشه در تگزاس سرمایه‌گذاری خواهد کرد. شرکت‌های اینتل و میکرون نیز گفته‌اند که قصد دارند در داخل کشور تولید کنند. مسأله این نیست که ترامپ دغدغه نادرستی دارد. در سخنرانی اش اشاره کرد که به مدت ۴۰ سال، از زمان ساختن وساز در مونتگن، از کسری تجاری مزمن سرمایه‌کاپ داشته و از اینکه ایالات متحده تا چه حد اقتصاد جهانی بابتاب را حمایت می‌کند، ناراضی است.

منبع: Foreign Policy